



The Role of Chabahar in the Expansion of Indo-Iranian Relations: Opportunities and Challenges (2015-2020)

Mazia Mozaffari Falarti¹ - Farzan Safari Sabet²

Abstract

Iran and India are two countries that have had relations ever since the inception of their respective civilizations. Their relationship is both defined in cultural similarities and by their geopolitical proximity. In recent decades, the relationship has been cultivated to form ties marked by their willingness to go beyond their cultural affinity and to work together out of mutual geo-economic necessity for oil. Since the signing of the trilateral agreement between Iran, India and Afghanistan to develop Chabahar, Iran and India have made strides to further relations in various areas such as working together to develop Chabahar and the North-South Transport Corridor (NSTC) in addition to helping to stabilize Afghanistan. Even though their relations seem to be strong, these bilateral ties are affected by obstacles and factors such as the tumultuous relationship of the United States (the US) and Israel with Iran and India's rivalry with China and Pakistan. The purpose of this thesis is to examine the effect of Chabahar on future Indo-Iranian relations and how external factors such as Afghanistan, Pakistan, China, Gwadar Port, the China-Pakistan Economic Corridor (CPEC), the One Belt, One Road (OBOR) initiative, the US and Israel affect the relationship and to determine what the opportunities and challenges are that both Iran and India face and how the relationship can affect their foreign policies, regional and extra-regional stability, integration as well as regional convergence and divergence by using foreign policy analysis (FPA) and critical geopolitics methods as tools of analysis. Keywords: Chabahar, CPEC, Foreign Policy (FP), Geopolitics, Gwadar, India, Indo- Iranian, Iran, OBOR, Sino-Indo

Keywords: Iran, India, Chabahar port, foreign policy, geopolitics

¹ Assistant Professor, Department of South Asia and East Oceania, Faculty of World Studies, University of Tehran, Iran. Mmfalarti@ut.ac.ir

² Master of World Studies, Indian Subcontinent, University of Tehran, Iran.



نقش بندر چابهار در روابط ایران و هند: فرصتها، چالشها و چشم اندازها (۲۰۲۰-۲۰۱۵)

مازیار مظفری فلارتی^۱ - فرزانه صفری ثابت^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

چکیده

ایران و هند دو کشور هستند که از ابتدای تشکیل تمدن بشری و پیدایش دولت‌های خویش روابط داشته‌اند. رابطه‌ی آن‌ها از لحاظ شباهت‌های فرهنگی و در چهارچوب مفاهیم نزدیکی جغرافیایی تعریف شده‌اند. در دهه‌های اخیر، روابط آن‌ها فراتر از نزدیکی فرهنگی و ضرورت‌های ژئواکونومیک به طور مثال نفت رفته است. از زمان امضای قرارداد سه‌جانبه میان هند و ایران و افغانستان برای توسعه بندر و منطقه اقتصادی چابهار، هند و ایران تلاش‌های بیشتر همکاری در زمینه توسعه‌ی کریدور شمال-جنوب و ثبات سازی در افغانستان انجام داده‌اند. با وجود اینکه روابط آن‌ها مستحکم به نظر می‌رسد، روابط دوجانبه آن‌ها تحت عوامل و فاکتورهای خارجی همچون روابط تنش‌زا میان آمریکا، اسرائیل و ایران، رقابت چین و پاکستان با هند است. هدف این تحقیق، ارزیابی اثر چابهار بر آینده روابط ایران و هند و چگونگی اثر افغانستان، پاکستان، چین، بندر گوادر در پاکستان به همراه کریدور اقتصادی چین و پاکستان، جاده‌ی ابریشم چین، آمریکا و اسرائیل بر روابط ایران و هند و فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ایران و هند که اثرگذار بر سیاست خارجی آنان به همراه ثبات منطقه، همگرایی اقتصادی و همچنین همگرایی و واگرایی با استفاده از تحلیل سیاست خارجی و تحلیلی ژئوپلیتیک به عنوان ابزار برای تحلیل این تحقیق است.

واژگان کلیدی: ایران، هند، بندر چابهار، سیاست خارجی، ژئوپلیتیک

^۱ استادیار گروه جنوب آسیا و شرق اقیانوسیه، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، ایران.

Mmfalarti@ut.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد مطالعات جهان گرایش شبه‌قاره هند دانشگاه تهران، ایران.

مقدمه

روابط تاریخی ایران و هند به درازای تمدن‌های کهن بازمی‌گردد اما دو دولت مدرن در مارس ۱۹۴۷ و نشست کشورهای آسیایی و آفریقایی دردهلی نو اولین گام‌های روابط دوستانه با یکدیگر را برداشتند. این روابط متأثر از فضای جنگ سرد بعد از جنگ جهانی دوم و گرایش ایران به غرب منجر به اعتلای روابط نشد چراکه هند نیز به‌رغم عضویت در جنبش عدم تعهد پیوندهایی را با شوروی برقرار کرده بود و ایران در پیمان بغداد در کنار سه کشور عراق، پاکستان و بریتانیا قرار داشت. بهر حال با پیروزی انقلاب اسلامی همچنان فضای دوقطبی حاکم بر نظام بین‌الملل منجر به گسترش روابط دو کشور نشد اما با فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ به تدریج روابط ایران و هند بهتر شد. با این حال پیش‌ازین نیز رابط ایران و هند در موارد چندی وجود داشته و موافقت‌نامه‌های متعددی بین دو کشور منعقد شده بود. هند و ایران ابتدا در سال ۲۰۰۳ با برنامه‌هایی برای توسعه بیشتر بندر شهید بهشتی موافقت کردند، اما به دلیل تحریم‌ها علیه ایران این کار انجام نشد در ماه مه ۲۰۱۶، با سفر نخست‌وزیر هند به تهران و تصویب آن در مجالس دو کشور هند و ایران توافق‌نامه‌ای دوجانبه امضا کردند که در آن هند یکی از اسکله‌های بندر شهید بهشتی را بازسازی می‌کند و یک مرکز حمل‌ونقل کانتینری به طول ۶۰۰ متر در بندر را بازسازی می‌کند. این سرمایه‌گذاری شامل سرمایه‌گذاری ۸ میلیارد دلاری در بندر چابهار و صنایع منطقه ویژه اقتصادی چابهار از جمله کارخانه ذوب آلومینیوم و تأسیسات اوره سازی در بندر چابهار بود که مسیر ترانزیتی به افغانستان و آسیای مرکزی بود. در ۲۹ اکتبر ۲۰۱۷، تجارت و مسیر ترانزیت سه‌جانبه زمانی اجرا شد که اولین محموله گندم از هند از طریق چابهار به افغانستان ارسال شد. در سال ۲۰۱۸ نیز هند متعهد شد سرمایه‌گذاری و تجهیز بندر را آغاز کند و در ژانویه ۲۰۱۸ قراردادی به ارزش ۲ میلیارد دلار برای همکاری در بخش ریلی امضا کردند همچنین در نوامبر همان سال ایالات متحده پروژه چندملیتی بندر چابهار را از تحریم‌های خود علیه ایران مستثنی کرد. در فوریه ۲۰۱۹، افغانستان مسیر صادراتی جدید به هند را از

طریق بندر چابهار راه‌اندازی کرد. نهایتاً سرمایه‌گذاری هند در سال ۲۰۱۹ در چابهار عملیاتی شد. هدف از این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری‌شده با اسناد کتابخانه‌ای، پاسخ به این پرسش است که اهمیت بندر چابهار در روابط ایران و هند (۲۰۲۰-۲۰۱۵) چگونه قابل تبیین است؟ برای بررسی این موضوع فرصت‌ها، چالش‌ها و چشم‌اندازهای روابط ایران و هند با تأکید بر توسعه بدر چابهار مورد بررسی قرار خواهد گرفت و فرضیه مقاله این است که با توجه به موقعیت بندر چابهار در توسعه کریدور شمال-جنوب کشور هند با ملاحظات ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک به دنبال سرمایه‌گذاری در چابهار بوده و این امر تحت تأثیر روابط هند و ایران با سایر کشورها نیز بوده است. پژوهش با بررسی چگونگی اعمال اثر عوامل منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای همچون آمریکا و اسرائیل، رقابت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک چین و پاکستان با هند و وجود بازارهایی همچون روسیه، قفقاز و آسیای میانه بر روابط ایران و هند و همچنین چشم‌اندازهای سیاست خارجی ایران در قبال هند، شبه‌قاره هند و در کل جنوب آسیا به بررسی دیدگاه‌های سایر کشورها در این خصوص خواهد پرداخت. در این تحقیق روش‌های به‌کاررفته برای تحلیل موضوع حاصل از گردآوری مطالب همچون کتب و مقالات ژورنال‌های فارسی و انگلیسی، تحلیل سیاست خارجی و ژئوپلیتیک انتقادی است.

پیشینه‌ی تحقیق

ازلحاظ روابط ایران و هند، دستمالچی (۱۳۹۴) روابط ایران و هند را از منظر تاریخی و فرهنگی، از سیر روابط از استقلال هند تا انقلاب اسلامی و اهمیت اقیانوس هند برای دو کشور را بررسی کرده است. زیبایی، بهرامی مقدم و سیمبر (۱۳۹۴) سیاست خارجی هند را از دیدگاه تأثیرگذاری عوامل متعدد همچون پایه‌های اخلاقی و سیاسی سیاست خارجی هند، فروپاشی شوروی، رشد اقتصادی بر روابط دوجانبه هند با قدرت‌های مطرح جهان بررسی کرده‌اند. وتنکا (وطن‌خواه) (۲۰۱۵) روابط ایران و پاکستان و همچنین پاکستان با

هند را زیر سایه نفوذ ایالات متحده آمریکا از ابتدای پیدایش تا زمان حاضر بررسی کرده است. بابائی (۲۰۱۳) روابط تاریخی ایران و پاکستان در دوران سنتو و ایجاد سازمان اکو مطالعه کرده است. اسمال (۲۰۱۵) ایجاد تدریجی محور چین-پاکستان از دیدگاه روابط روزافزون نظامی و اقتصادی و سیاسی چین و پاکستان و همکاری آنان در توسعه CPEC و بندر گوادر مورد کنکاش قرار گرفته است. کاردوست (۱۳۹۶-۱) سیاست خارجی پاکستان و روابط این کشور را به‌ویژه با هند بررسی کرده است و کار دوست (۲۰۱۳-۲) روابط هند-پاکستان را از دیدگاه نظری رئالیسم تهاجمی مرشایمر بررسی کرده است.

چارچوب نظری

تأثیر عناصر جغرافیایی بر روی رفتار سیاسی باعث شده تا واژه ژئوپلیتیک به وجود آید. در این چارچوب، نظریه ژئوپلیتیک به بررسی تأثیر عوامل و واقعیت‌های فیزیکی جغرافیایی بر اقدامات سیاسی کشورها می‌پردازد. به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک به این می‌پردازد که چگونه واقعیت‌های جغرافیایی مانند موقعیت، جایگاه، توپوگرافی و منابع بر سیاست‌های دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. ژئوپلیتیک در تعریف دیگر تأثیر محیط و پدیده‌های محیطی، مانند موقعیت جغرافیایی، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی)، شکل زمین و غیره را بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطوح مختلف از جمله منطقه‌ای و جهانی بررسی می‌کند. دیدگاه‌های فوق تأثیر یک‌طرفه جغرافیا بر سیاست را بیان می‌دارد؛ اما در یک تعریف تعاملی، ژئوپلیتیک عبارت از مطالعه روابط متقابل سه عنصر جغرافیا، سیاست و قدرت و کنش‌ها و نتایج ناشی از تعامل آن‌ها با یکدیگر است (حاجی یوسفی و نارویی، ۱۴۰۰: ۶۵-۶۴). از این رو همبستگی و هماهنگی شدیدی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها وجود دارد. در تلقی بین‌المللی از قدرت به‌عنوان موتور محرک نظام بین‌الملل و هدف رفتار دولت‌ها برای کسب منافع است. درک ژئوپلیتیک نسبت به نظام بین‌الملل به‌عنوان شاکله برآمده از قدرت و کسب جایگاه کشورها است (باقری و

صالحی، ۱۳۹۶: ۱۴۷). معمولاً هرگاه سخن از ژئوپلیتیک مطرح می‌شود ارتباط بین جغرافیا و سیاست مطرح می‌شود. در واقع این دانش که در دوره رقابت امپریالیستی بین سال‌های ۱۸۷۰ و ۱۹۴۵ م و توسط بزرگانی چون راتزل، ماهان، کیلن و مکیندر متولد شد، بر مزیت‌های طبیعی مکان‌ها و موقعیت‌های خاص برای شکل فضایی و رشد کشورها تأکید داشت و با چنین نگاهی بین جغرافیا و سیاست پیوند برقرار ساخت، اما دیرزمانی نگذشت که به واسطه کم‌رنگ شدن ژئوپلیتیک سنتی در نتیجه رقابت شوروی و آمریکا در جریان جنگ سرد و استراتژی بازدارندگی جنگ سرد از دفاع سرزمینی به توازن هسته‌ای، نظریات ژئوپلیتیک دچار تغییراتی گشت که عمدتاً ریشه در نهضت فراساختاری داشت که در دهه ۱۹۶۰ م در فرانسه اوج یافت، زیرا تقریباً در چنین زمانی بود که ایوالکوست مشاهده کرد که ژئوپلیتیک رایج به دلیل سوءاستفاده از شواهد جغرافیایی به نفع مقاصد امپریالیستی لکه‌دار شده است؛ بنابراین، این دانش باید از لحاظ علمی، مستقل و بی‌طرفانه شود (صادقی اول و همکاران، ۱۳۹۸: ۵)؛ بنابراین ژئوپلیتیک انتقادی^۱ در ارتباط با چگونگی ورود استدلال ژئوپلیتیکی به مباحث سیاسی است و هدف از این ورود، برقراری مناسبات اجتماعی - سیاسی مسلط در درون سیاست‌های بین‌المللی معاصر است. اهمیت این موضوع بدان جهت است که به مدون کردن حلقه‌های بین شرایط مادی متغیر در اقتصاد جهانی و خلق یک ژئوپلیتیک جهانی کمک می‌کند و سبب حفظ و تداوم یا تغییر ساختارهای موجود در نحوه تعیین امتیازهای مادی می‌شود (احمدی پور و بدیعی، ۱۳۸۱: ۴). در تعریفی آن را اثرات حدود جغرافیایی بر رژیم بین‌المللی سیاسی و ابزار مطالعه سیاست خارجی می‌دانند (O' Tuathail, 1995). محققین ژئوپلیتیک انتقادی چهار پیش‌فرض دارند: ۱. مطالعه ژئوپلیتیک نیاز به مطالعه ادراکی از فعالیت‌های اجتماعی سیاست‌گذاران دولتی با توجه به سیاست‌های بین‌المللی دارد. ۲. قدرت استدلال ژئوپلیتیکی از طبیعت عملی آن، یعنی پیش‌فرض‌های یکنواخت و تقلیدی مورد قبول همه در مورد

¹ Critical Geopolitics

مکان‌ها و ویژگی‌های آن‌ها مشتق می‌شود. ۳. مطالعه استدلالی ژئوپلیتیکی، نیازمند مطالعه یافته‌های جغرافیایی در مباحث مختلف است. ۴. از آنجا که استدلال ژئوپلیتیکی سیاست‌های دولتی، همواره در یک سیستم جهانی تاریخی عمل می‌کند و قدرت‌های آن‌ها عمدتاً ناشی از موقعیت مکانی آن‌ها در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی است، دولتی که در اقتصاد جهانی برتری می‌یابد، قانون‌گذار حکومت‌های دیگر در سیستم جهانی می‌گردد (همان: ۴).

پیشینه روابط ایران و هند (قبل از ۱۹۷۹)

ایران و هند از زمان طلوع تمدن بشری با همدیگر روابط داشته‌اند. از دوره‌ی مهاجرت اقوام آریایی به فلات ایران و سکونت در گستره‌ی پهناور از آنچه امروز به‌عنوان شبه‌قاره هند شناخته می‌شود. ایرانیان و هندی‌ها در تمام حوزه‌ها از پزشکی تا مهندسی تبادل داشته‌اند. در دوره‌ی قبل از اسلام، حکمرانان ایرانی تهاجم و لشکرکشی‌های گسترده به هند داشته‌اند. هنگام تهاجمات ایران به هند، بسیاری از سلسله‌های ایرانی در سرزمین هند منشعب گشتند و پایه‌های قدرت خود را تشکیل دادند. در دوره‌ی اسلامی و مغولان، بسیاری از مهاجران ایرانی همچون زرتشتیان و فقهای اسلامی، ایران را به مقصد هند برای فرار از محاکمه و تبعیض مذهبی و قومی ترک نمایند تا تساهل و مدارای مذهبی هند را دریابند. بسیاری از شخصیت‌های ادبی پس از سکونت طولانی در هند آثار ارزشمندی گذاشتند که امروزه به‌عنوان بخشی از میراث ادبی فارسی در هند و در کل ادبیات فارسی محسوب می‌شود. تمام عوامل تاریخی نامبرده، آثار متعددی بر شبه‌قاره هند و بخصوص هند داشته‌اند، از تشکیل سلسله‌های سلطنتی تا حضور در محافل درباری، مکتب‌خانه‌ها و تشکیل اجتماعات مردمی. در قرن ۱۹ میلادی و با پیدایش استعمارگران انگلیس، حلقه‌ی اتصال بین ایران و شبه‌قاره هند از هم پاشید که نتیجه آن از دست رفتن تدریجی نفوذ به دلیل مداخلات مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های استعمارگر در امور داخلی هر دو کشور

بود. پس از استقلال هند در سال ۱۹۴۷، هند به دو بخش مشخص مسلمان و هند تقسیم شد. هند خانه‌ی هندوها با یک اقلیت قابل توجه مسلمان‌نشین و پاکستان سرزمین مسلمانان به رهبری محمدعلی جناح، رهبر حزب مسلم لیگ شد. این رویداد ایران را از هند جدا کرد و به همراه آن قطع حلقه‌ی اتصالی تعاملات تاریخی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی. ایران یکی از اولین دولت‌هایی بود که هند مستقل را به رسمیت شناخت؛ اما به دلیل محیط بین‌المللی در حال شکل‌گیری پس از پایان جنگ جهانی دوم، اتحادهایی شکل گرفت که نتیجه‌ی آن تقابل دو بلوک قدرتمند و رقیب و به همراه آن متحدان آنان باهم دو کشور در اردوگاه‌های متقابل جا گرفتند. ایران در دهه‌ی ۱۳۳۰ شمسی / ۱۹۵۰ میلادی عضوی از پیمان بغداد که بعداً سینتو^۱ نام گرفت شد که این سازمان متشکل از اعضای همچون عراق، ترکیه، پاکستان که از اعضای دیگر همچون بریتانیا و ایالات متحده آمریکا کمک‌های نظامی دریافت می‌کرد تا با گسترش کمونیسم و شوروی مقابله نماید. هند در نقطه مقابل آن به دلیل گرایش‌های ضد استعماری، ضد امپریالیستی و ضد غربی رهبران آن یک سیاست عدم تعهد را دنبال کرد و در سال ۱۹۵۷ میلادی در کنفرانس باندونگ اندونزی نهره، نخست‌وزیر هند به همراه مارشال تیتو، رهبر کمونیست یوگسلاوی، او با استالین شوروی اختلاف داشت، جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور انقلابی ملی‌گرای عرب مصر به همراه دیگر رهبران ضد استعمارگر دیگر همچون قوام نکرومه رئیس‌جمهور غنا و سو کارنو رئیس‌جمهور اندونزی سازمان عدم تعهد را تشکیل دادند. اگرچه هند مؤسس و مروج عدم تعهد بود اما در عمل به یکی از متحدان و دریافت‌کنندگان بزرگ نظامی و اقتصادی شوروی و صادرکننده به بلوک شرق محسوب می‌شد. بین سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۷۹ گرچه ایران و هند به دو اردوگاه متقابل تعلق داشتند اما از لحاظ روابط دوجانبه همدیگر را کشورهای دوست می‌پنداشتند. در سال‌های ۱۹۴۷، ۱۹۶۶، ۱۹۷۱، ۱۹۹۹، هند و پاکستان برای کنترل منطقه کشمیر با یکدیگر وارد جنگ شدند که در نهایت به پیروزی هند منجر

¹ Central Treaty Organization (CENTO)

شد. در سه جنگ، به دلیل عضویت در سنتو ایران و پاکستان وظیفه داشتند در صورت تجاوز یک کشور متخاصم از یکدیگر دفاع بکنند. در این مورد، ایران پاکستان را کشور دوست و برادر مسلمان و همسایه خود می‌دانست. در دوران پهلوی، ایران در برخی مسائل بین‌المللی مثل روابط با اسرائیل با مخالفت دولت هند مواجه شد.

روابط ایران و هند (۱۹۷۹ تاکنون)

سیاست خارجی کلیت سیاست‌های یک کشور در قبال و تعاملات با محیط خارج از مرزهای خود است (Bruening, 2007: 180). روابط ایران و هند پس از انقلاب اسلامی با توجه به نقش متغیرهای مختلف تا پایان جنگ سرد، بهبود قابل توجهی را به خود ندید، اما با فروپاشی شوروی، بروز بحران افغانستان و اهمیت یافتن کشورهای آسیای مرکزی برای هندوستان بستری برای نزدیکی بیشتر ایران و هند فراهم شد. بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ میلادی، چندین عامل باعث تغییر گرایش در سیاست خارجی هند و همچنین ایران شد. اولین عامل در تغییر سیاست خارجی هند، ترور راجیو گاندی، نخست‌وزیر اسبق، پسر ایندر گاندی و نوهی نهرو، نخست وزیران قبلی هند بود. دوم سقوط شوروی و پایان جنگ سرد به همراه قطع کمک‌های مالی به هند بود. سوم جنگ خلیج فارس و خلال در عرضه‌ی نفت به هند از سوی کشورهای عربی خلیج فارس بود. دلایل دیگر، دولت‌های شکننده ائتلافی بودند رکود و ریاضت‌های اقتصادی و قرار گرفتن هند در لیست سیاه وزارت خزانهداری آمریکا و لیست تحریم‌ها از سوی آمریکا به خاطر آزمایش‌های هسته‌ای بود. در سال ۱۹۹۱ میلادی، ناراسیمهو راتو، نخست‌وزیر و مانهومان سینگ، رئیس بانک مرکزی وقت با پیشنهاد اصلاحات اقتصادی سعی در تغییر اقتصاد هند از یک اقتصاد دولتی سوسیالیستی بسته به یک اقتصاد لیبرال بازار آزاد را دادند. این تغییرات هم در تغییر سیاست خارجی هند تأثیرگذار بودند. در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی، توجه هند نسبت به ایران بیشتر جلب شد. در سال‌های اولیه این دهه چند سفر خارجی مقامات

هندی به تهران صورت گرفت که حاصل این دیدارها جز یک بیانیه مشترک ساده نبود. ازلحاظی این سفرها نشان از ابراز تمایل دو طرف به هم گروی نزدیک تر بود.

تغییر سیاست خارجی هند در دوره‌ی راتو شکل گرفت که فرصت‌ها و گزینه‌های بیشتری را برای این کشور فراهم آورد. ایران هم بعد از پایان جنگ تحمیلی ازلحاظ داخلی متمرکز بر بازسازی پس از دوران جنگ و ازلحاظ خارجی، سیاست خارجی پراگماتیک تری را با هند تعقیب می‌کرد. در سال ۱۹۹۳، راتو سفری را به تهران داشت و متعاقب سفر هیئت ایرانی در ۱۹۹۵ بود (Fair, 2012). در سال ۱۹۹۶، کی، آر، نارایاران، معاون رئیس‌جمهور هند به ایران سفر کرد. باوجود رفت‌وآمدهای دیپلماتیک میان تهران و دهلی‌نو، از دل این دیدارها هیچ نوع همکاری امضا نشد. در سال ۲۰۰۱، نخست‌وزیر هند، واج پائی، به تهران سفر کرد که نتیجه آن بیانیه تهران بود که پایه‌ای برای توسعه بندر چابهار شد. این بیانیه نقشه راه برای توسعه کریدور شمال-جنوب برای ترانزیت کالا از هند به قفقاز، روسیه و طبیعتاً اروپا از طریق ایران بود. از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ می‌شود ادعا کرد بر پایه تمایل به همکاری در زمینه اقتصادی و حتی امنیتی، نوعی گفتگوی راهبردی میان ایران و هند شکل گرفت که در این مدت چهار نشست دوجانبه در مورد مسائل امنیتی که هر دو را تحت شعاع قرار می‌دادند برگزار شد. بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳، چندین مسائل محیط بین‌المللی و منطقه غرب آسیا را تغییر داد که روند روابط دوجانبه ایران و هند را متأثر ساخت. دومین عامل تأثیرگذار، حضور افزایشی نیروی دریایی ایالات متحده در خلیج فارس بود که به خاطر دو عامل فوق‌الذکر بود ایران و هند در سال ۲۰۰۳ و در سال ۲۰۰۶ مانورهای مشترک دریایی برگزار کردند (Soltaninejad, 2017). سومین عامل تحریم‌های مربوط به مسئله برنامه هسته‌ای ایران بود که به خاطر تیرگی روابط ایران و آمریکا و توازن هند بین این دو کشور، سه بار در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ در شورای امنیت علیه ایران رأی داد. رأی مخالف هند پس از توافق با آمریکا در زمینه ی امضای قرارداد ۱۲۳ هسته‌ای بین مانهومان سینگ و جرج بوش پسر بود که نشان از نزدیک شدن

هند به آمریکا در آن دوره دارد. در سال ۲۰۰۳، واجبائی از رئیس‌جمهور ایران دعوت ویژه‌ای به عمل آورد تا در مراسم روز جمهوری ۲۰۰۳ در هند شرکت داشته باشد (Fair, 2010). پس‌از این مراسم، بیانیه دومی بین تهران و دهلی‌نو موسوم به بیانیه دهلی‌نو امضا شد که نشان از عمیق‌تر شدن روابط و همکاری راهبردی میان تهران و دهلی‌نو داشت. موارد این بیانیه نقشه راه برای همکاری راهبردی بود که مبارزه مشترک علیه مواد مخدر، توسعه راه آهن زرنج-بم و توسعه بندر آبی در چابهار بود. در سال ۲۰۰۴ نیز مشاور امنیت ملی هند جی. ان. دیکسیت برای گفتگو در مورد مسائل امنیتی مرتبط با هند، ایران و آمریکا به ایران سفر کرد و در سال ۲۰۰۵، طرح صادرات ۲۵ ساله گاز ال ان جی^۱ ایران به هند و طرح احداث لوله‌ی مشترک گاز ایران به هند از طریق پاکستان مطرح شد که به دلیل اعمال فشار تحریمی آمریکا و ژئوپلیتیکی علیه ایران این پروژه‌ها ناتمام و ناکام ماندند (Fair, 2010). در اکتبر ۲۰۱۲، وزیر نفت، جیپال ردی، اعلام کرد که کشور او با ایران روابط حسنه دارد و قصد ندارد واردات نفت از ایران را کاهش دهد. این موقعی بیان شد که دولت آمریکا در دوره اوباما شدیدترین تحریم‌ها را علیه ایران وضع کرد. در این دوره هند جای بریتانیا برای صدور بیمه برای تانکرها را پر کرد و کنسولی را در بندرعباس برای نظارت بر عبور و مرور تانکرها از تنگه‌ی هرمز را بنا ساخت. با وجود این تحولات مثبت، وزیر نفت هند، آر. پی. ان. سینگ در آن موقع اعلام کرد که هند واردات نفت از ایران را تا ۱۱ درصد را کم خواهد کرد و در نتیجه، رده ایران در عرضه نفت از چهارم به هفتم تنزل یافت. در سال ۲۰۱۲، در حاشیه اجلاس سران غیر متعهدها، نخست‌وزیر هند مانهومان سینگ با رهبر جمهوری اسلامی ایران برای گفت‌وگو در مورد توسعه در روابط دو کشور دیدار داشت. در سال ۲۰۱۵ و در جریان امضای قرارداد چابهار، بین ایران، هند و افغانستان، امضای ۱۲ تفاهم‌نامه برای سرمایه‌گذاری و توسعه بندر چابهار صورت گرفت و به همراه آن یک تفاهم‌نامه‌ی تأییدی و تضمینی امضا شد. (Dushyant, 2012) دو طرف ایران و

¹ LNG

هند پس از این نشست، یک بیانیه مشترک تحت عنوان "ارتباط تمدنی، مبحث معاصر" ارائه کردند. در اواخر سال ۲۰۱۵، نشست کمیته مشترک هند و ایران به ریاست سوشما سوئاراج وزیر امور خارجه و دکتر علی طیب نیا، وزیر اقتصاد برگزار شد. در فوریه سال ۲۰۱۸، رئیس جمهوری ایران به هند سفر کرد. در این سفر، ۱۳ تفاهم نامه دیگر بین دو دولت امضا شدند. بیانیه مشترکی هم تحت عنوان "به سوی پیشرفت از طریق ارتباطات بیشتر" اعلام شد. در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ وزیر امور خارجه ایران چندین سفر به هند داشت و با همتای خود سوشما سوئاراج دیدار کرد. او در سال ۲۰۱۹ با نیتین گادکاری، وزیر راه و ترابری نیز دیدار کرد و در همایش سالیانه بین المللی رایسنا حضور یافت. پیش تر، نشست سه جانبه معاونین وزیران امور خارجه در مورد مبارزه علیه مواد مخدر بین ایران، هند و افغانستان و همچنین راهکاری مسالمت آمیز برای پایان بحران در افغانستان صورت گرفت (ME, 2019). با انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور، در سال ۲۰۱۷ و خروج او از برجام و برگشت تحریم ها علیه ایران، هند توانست از طریق مذاکره با آمریکا معافیت هایی را در مورد بندر چابهار دریافت کند (ME, 2018). در یک تحول دیگر میان ایران و هند، در سال ۲۰۲۰ دهارمندرا، سفیر هند در ایران، در مورد سیاست خارجی نسبت به ایران و هند ابراز کرد که آمریکا نمی تواند به ما دستور بدهد که چکار کنیم. این گفته نشان از سیاست مستقل خارجی هند است. هند و ایران برای سهولت در پرداخت ارزی توافق کردند که بجای دلار مبادله ریال و روپیه صورت بگیرد. همچنین بین دو کشور در حال مذاکره برای امضای معاهده ترجیحی برای کاهش تعرفه های وارداتی تا ۲۵ درصد در میان دو کشور در حال انجام است (Tehran Times, 2020; Mehr News Agency, 2020).

اهمیت استراتژیک بندر چابهار

اهمیت بندر چابهار به عنوان نقطه ای جغرافیایی در تاریخ ایران و در تاریخ جهان مشهود است. در یکی از موردهای تاریخی، در نوشته های جرج کرزن، نایب السلطنه هند که قبل از آن در ایران به عنوان دیپلمات روزنامه نگار فعال بود، با سفر به نقاط مختلف به ایران، در

توصیف چابهار از لحاظ تاریخی و جغرافیایی، نقش آن به‌عنوان گذرگاهی برای عبور ارتش اسکندر مقدونی به هند و در بعدی دیگر در ایجاد راه آهن ترنس کاسپین در ایجاد توازن بین روسیه و انگلیس و نزدیکی به کوئته، بامپور، هرات و هلمند از طریق سواحل مکران را تعیین‌کننده دانست (Curzon, 1899). در زمان پهلوی و در دوران روابط نزدیک ایران و آمریکا، بندر چابهار به‌عنوان مرکز اقتصادی و نظامی از سوی ایران پیشنهاد شد (Cooper, 2012). در زمان جنگ ایران و عراق، بندر چابهار به‌عنوان جایگزینی برای بندرعباس به دلیل اصابت موشک‌های عراقی به شهرهای ایران مدنظر قرار گرفت. در انعقاد تفاهم‌نامه چابهار، در سرمایه‌گذاری اولیه، دولت هند قبول کرد که مبلغ ۸۵ میلیارد دلار به همراه ۵۰۰ میلیون دیگر در اختیار دولت ایران قرار دهد تا دو اسکله را توسعه دهد. قابل ذکر است که تا قبل از سال ۲۰۱۶، هند نزدیک به ۶ میلیارد دلار در زمینه اتصال زرنج به دلارام سرمایه‌گذاری کرد. به‌عنوان بخشی از پروژه، در یک کنسرسیوم که توسط یک کمپانی هندو-جا، در یک تفاهم‌نامه با شرکت کشتیرانی ایران، قرار شد یک خط راه‌آهن از چابهار تا فرنج و از آنجا به شهر تاریخی بم کشیده شود (Singh, 2017).

در سال ۲۰۲۰، بندر کناری شهید کلانتری و شهید بهشتی به منطقه آزاد تجاری چابهار ملحق گشتند (شورای نگهبان، ۱۳۹۹). بندر چابهار به‌عنوان یکی از شمالی‌ترین نقاط اقیانوس هند شناخته می‌شود این بندر واقع بر ساحل مکران در استان سیستان و بلوچستان و در ناحیه جنوب شرقی هم‌مرز با پاکستان است. از مزیت‌های آن نزدیکی به تنگه هرمز است که سالیانه نزدیک ۱۰۰ هزار کشتی و ۱۷ میلیارد بشکه نفت که مرکب از ۷۰ درصد نفت و یکی از حیاتی‌ترین خطوط دریایی ارتباطی به شمار می‌رود. بندر چابهار برای هند دسترسی آسان به افغانستان ارائه می‌دهد و به روسیه، قفقاز، آسیا میانه و سپس اروپا از طریق کریدور شمال-جنوب می‌دهد. از لحاظی به نیازات انرژی هند از طریق خط لوله تاپی^۲ هم

^۱ ALPS

^۲ TAPI

پاسخ می‌دهد. این بندر در نزدیکی ۸۰ کیلومتری بندر گوادر در پاکستان قرار دارد. چابهار در قیاس با بندر گوادر از لحاظ اعمال تحریم‌های آمریکا در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارد و به نوعی می‌تواند به عنوان رقیب آن شناخته شود و احتمال آن می‌رود که رقابت شدید بین چین و هند قرار بگیرد (Ahmad, 2017). از مجموع سه کریدور حمل‌ونقل جهانی که کارشناسان سازمان ملل برای این امر بیان کرده‌اند، دو کریدور از ایران می‌گذرد و چابهار نقطه عبور جنوبی‌ترین کریدور شرقی- غربی جهان خواهد بود. این کریدور از دروازه ابریشم در چین آغاز می‌شود و قلب اقتصاد این کشور یعنی استان کانتون را تغذیه کرده و به سرزمین آسیای جنوب شرقی می‌پیوندد و پس از طی این مسیر وارد هندوستان شده و با پوشا مهم‌ترین شهرهای این ناحیه مانند کلکته، ناکپور، جاپور، حصیرآباد، کراچی و بن قاسم به چابهار می‌رسد (اربابی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۷).

کریدور شمال-جنوب



منبع: (پیشین)

بندر چابهار ظرفیت ۱۰ الی ۱۵ اسکله را دارد، اما در حال حاضر تنها ۴ عدد آن فعال می‌باشند. در ۲۰۱۵، ۲٫۱ میلیون تن بار و ۸٫۵ میلیون تن بار در سال ۲۰۱۶ در انبارهای

چابهار نگاه‌داشته شدند. در کل ظرفیت ساخت چابهار برای نگاه‌داری بار تا ۱۰ الی ۱۲ میلیون تن وجود دارد همچنین ظرفیت برای نگاه‌داری ۲۰ هزار تن سوپر تانکر وجود دارد. این بندر قادر به حذف ۵۰ درصد هزینه حمل‌ونقل اضافی هند به اروپا است و پیش‌بینی شده است که چابهار می‌تواند سالیانه به رشد برابری قدرت خرید^۱ جهان ۸ تریلیون عرضه کند. از لحاظ تطبیق و مقایسه بندر چابهار و بندر گوادر، چابهار از لحاظ خدمات موجود، زیرساخت‌ها، منابع انسانی، فعالیت‌های بندری و دریایی، کارایی زنجیره عرضه کالا و گمرک نسبت به بندر گوادر عملکرد بهتر و در مزیت بهتری قرار دارد (Sayareh & Fooladi Mehtarkhaleh, 2016)

یکی دیگر از دلایل و ابعاد اهمیت استراتژیک ایران و بندر چابهار را جایگاه ایران در سیاست قله‌ی اوراسیایی هند در مقابله با چین و پاکستان از طریق همین بندر باید دانست (Singh & Singh, 2019). توسعه محور ترانزیتی جنوب شرق و اتصال جنوب به شمال ایران، باعث افزایش ضریب امنیت در جنوب شرق کشور و افزایش مبادلات اقتصادی باعث افزایش به هم‌پیوستگی و چسبندگی بیشتر مناطق مرزی با بخش مرکزی کشور خواهد شد. از نگاه منطقه‌ای و بین‌المللی شبه‌قاره هند می‌تواند ارتباط سریع‌تر و آسان‌تری و در نتیجه به صرفه‌تری با هسته مرکزی قاره اوراسیا و به صورت مشخص با فدراسیون روسیه و بالعکس داشته باشد و پنج کشور قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و افغانستان را از تنگنای ژئوپلیتیکی محصور بودن در خشکی را خارج کند (اربابی و همکاران، ۱۴۰۰:۷۴).

¹ Purchasing power parity

تأثیر عوامل خارجی بر روابط ایران و هند

چندین عامل وجود دارند که تأثیر مثبت و منفی در روابط ایران و هند و روند همگرایی این دو منطقه دارند که به شرح ذیل می‌باشند:

افغانستان

افغانستان ملقب به گورستان امپراتوری‌ها در چهار دهه اخیر یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق بحران خیر دنیا بوده است و بسیاری از بازیگران بین‌المللی همچون هند، ایران، پاکستان، روسیه و آمریکا را درگیر کرده است. ایران به‌عنوان یک بازیگر در دهه‌ی ۹۰ میلادی به جبهه متحد شمال که مرکب از اقوام تاجیک و ازبک و هزاره بودند کمک لجستیک ارائه می‌کرد. افغانستان به دلیل وجود منابع طبیعی با ارزش یک تریلیون همچون ۲,۵ میلیارد تن آهن، ۶۰ میلیون تن مس، ۱,۴ میلیون تن فلزات نایاب مثل سریم، نیودیم، لانتانم و به همراه طلا، نقره، روی، لیتیم و جیوه مهم است. این کشور همچنین دارای معادن بسیار کربنیت به ارزش ۸۹ میلیارد دلار در ایالت هلمند است. افغانستان مرکزی برای تولید تریاک است که بسیاری از دولت‌های محلی و ملی برای درآمد به آن متکی هستند. پاکستان به دلیل سکونت قوم پشتون در شمال پاکستان و جنوب افغانستان سر مرز مشترک دو کشور همیشه به آن به‌عنوان عمق استراتژیک می‌نگرد. پاکستان همیشه پشتیبان دولت‌هایی با اکثریت پشتون بوده است در مقابل هند از لحاظ تاریخی پیوندهای تاریخی با ملت افغانستان از ایجاد مراکز فرهنگی گرفته تا حمایت از جبهه متحد شمال داشته است. (Rahman, 2010). تقویت موقعیت هند از جهتی منجر به بی‌ثبات‌سازی موقعیت پاکستان در افغانستان می‌شود. برای آمریکا، افغانستان به‌مثابه میدان نبرد علیه گروه‌های تندرو اسلامی و همچنین بازدارنده‌ای در مقابل ایران است. برای ایران، افغانستان به دلیل نزدیکی فرهنگی و جغرافیایی و بخشی بودن از جبهه شرقی همسایگی ایران مهم است. ایران همانند هند در دهه‌های اخیر سیاست ثبات‌سازی در خصوص مبارزه علیه مواد مخدر را دنبال

کرده است. با این حال به سبب بی‌ثباتی داخلی افغانستان ایران، مقصد اول برای مهاجران کارگری است (Morini, 2010).

چین

چین دومین اقتصاد بزرگ دنیا با جمعیتی بالغ بر ۲ میلیارد نفر است. هم‌مرز با روسیه و سیبری در شمال، کره و ژاپن در شرق و دریای چین جنوبی و مابقی جنوب شرقی آسیا در حاشیه جنوب شرقی آن. چین که هم‌مرز با ناحیه جنوب آسیا و به‌ویژه شبه‌قاره آسیا مثل هند و پاکستان، میانمار (برمه) و بنگلادش در مرزهای جنوبی است که دسترسی این کشور به آب‌های گرم اقیانوس هند و خلیج فارس را دشوار می‌سازد. در سال‌های اخیر کنترل تنگه‌های آبی همچون دریای زرد، دریای جنوبی چین، اقیانوس هند و مهم‌تر تنگه‌ی هرمز برای چین حیاتی شده است. چین در چند سال اخیر روابط نزدیکی با پاکستان برای دسترسی به دریای عمان و برای امنیت ترانزیت انرژی را ایجاد کرده است. همچنین ساخت بنادر در آفریقا برای گسترش نفوذ در این قاره. اکنون سیاست انرژی چین، امنیت ترانزیت انرژی بین دو قاره آفریقا و آسیا، دو اقیانوس آرام و هند و آمریکای مرکزی و جنوبی است. راهکار دستیابی به این هدف توسعه بنادر در برمه، بندر کولومبو در سری‌لانکا و جیبوتی است به همراه راه‌اندازی پروژه عظیم یک کمر بند، یک جاده است که قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا را از طریق راه‌های زمینی و دریایی به هم متصل می‌کنند است. از اعلام آن در سال ۲۰۱۳ توسط شی جین‌پینگ، رهبر چین، دولت چین به‌عنوان بخشی از سیاست نرم و دیپلماسی عمومی نزدیک به یک تریلیون دلار در ۶۰ کشور برای توسعه زیرسازها خرج کرده است. این را هم می‌شود به‌عنوان اهرم فشار اقتصادی برای پیش بردن منافع به نفع خود در آینده تلقی کرد. در این میان روابط چین و ایران هم از جهتی برای توسعه این پروژه حائز اهمیت است. در زمان تحریم‌ها علیه ایران، در مواردی چین حامی مالی ایران بوده است. در یک مورد، تجارت میان ایران و چین بین سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ به ۷۲ درصد افزایش پیدا کرد. پس‌از این ایران مشارکت‌کننده در بانک سرمایه‌گذاری

زیرساخت‌های آسیایی (AIIB) شده است. در ۲۰۱۶، شی جین پینگ بیان کرد که مایل است فصل جدیدی را در روابط دو کشور بگشاید. برای چین، ایران کنار خلیج فارس دارای ۵۰ درصد منابع نفت جهان است. ایران عرضه‌کننده ۱۵ درصد نفت و گاز چین است. چین امیدوار است به کمک ایران بتواند بر سنگ‌اندازی آمریکا غلبه کند. (Shafaqat, 2018). بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، کمپانی‌های چینی قراردادهایی به ارزش ۱۲۰ میلیارد دلار با بخش نفت و گاز ایران امضا کردند. (Al-Rawadesh and Al-Qatatsheh, 2017) در سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ ایران و چین به دنبال امضای تفاهم‌نامه همکاری استراتژیک سعی در ایجاد شراکت راهبردی دارند که هنوز در ایران به تصویب نرسیده است. باوجود سرمایه‌گذاری عظیم در بندر گوادر، چین ابراز تمایل به سرمایه‌گذاری در توسعه بندر چابهار کرده است. روابط چین و پاکستان یکی از درهم‌تنیده‌ترین روابط آسیا و جنوب آسیا است. میزان عمق این روابط را می‌توان در کمک چین به پاکستان در آزمایش بمب هسته‌ای در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی در لوپ نور مشاهده کرد (Singh, 2017) یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری چین در خارج در بندر گوادر و کریدور چین و پاکستان CPEC است. بندر گوادر قادر است مسافت ۱۶ الی ۲۵ روز دریای چین جنوبی به خلیج فارس را به ۴۸ ساعت برساند. پروژه بندر گوادر در تخمین اولیه بالغ بر ۴۶ میلیارد بوده است و این رقم می‌تواند در سال ۲۰۲۰ که تکمیل خواهد شد به ۷۵ میلیارد دلار برسد (Das, 2017) توسعه‌ی بندر گوادر و کریدور اقتصادی بخشی از سیاست و شعار "اقتصاد واحد ارزی جدید است" که در حال حاضر در یک جهان در حال جهانی شدن از طریق تجارت از راه بندرهای اقیانوسی پیگیر می‌شود به شمار می‌رود. دالان اقتصادی پاکستان-چین^۱ که هم توسط چین و پاکستان در حال توسعه است می‌تواند سه منطقه آسیای میانه، جنوب آسیا و جنوب شرق آسیا را به خاورمیانه متصل کند که کاملاً در راستای منافع اقتصادی و انرژی چین است. این پروژه هم بخشی از سیاست رشته

¹ China-Pakistan Economic Corridor (CPEC)

مرواریدها^۱ برای ایجاد نفوذ اقتصادی و نظامی در اقیانوس هند برای مقابله با هند است (Wadood, Ullah Khan and Ullah, 2016) باوجود رقابت میان چین و هند، چین بزرگ‌ترین شریک اقتصادی و بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در هند است. در سال ۲۰۱۸، تجارت میان چین و هند قریب به ۸۰ دلار رسید (MEA, 2018).

پاکستان

باوجود رقابت میان چین و پاکستان با هند، ایران روابط تقریباً ملایمی با پاکستان داشته است. تجارت میان ایران و پاکستان بالغ بر ۱,۵ میلیارد بوده است و قرار است در سال ۲۰۲۱ به ۵ میلیارد دلار بوده است. دو کشور توافق کرده‌اند تا بندر چابهار و بندر گوادر را هم‌زمان برای ارتقای اتصال و ارتباطات توسعه بدهند. چندین چالش مثل توسعه خط لوله ایران و پاکستان به دلیل تحریم‌های بانکی و عدم ایجاد شعبات بانکی پاکستانی در ایران وجود دارد. (Khokar, 2018).

آمریکا

یکی از عوامل منفی در روابط ایران و هند، حضور آمریکا در منطقه جنوب شرق آسیا و اقیانوس هند است. آمریکا از خود به‌عنوان یک قدرت مقتدر در منطقه اقیانوس آرام به دلیل حضور در گوام می‌بیند. در حقیقت آمریکا از اقیانوس آرام به‌عنوان دریایی آمریکایی به دلیل مجاورت ایالت کالیفرنیا یادکرد و در ۱۸۹۰ در هاوایی حضور نظامی پیدا کرد. در جنگ جهانی دوم به سمت غرب امتداد و گسترش داد و در ۱۹۸۰ در یک تغییر سیاست خارجی از آن به‌عنوان سیاست قرن پاسیفیک به دلیل ظهور اقتصادهای آسیایی مثل ژاپن، کره جنوبی و چین یادکرد. دلایل حضور آمریکا در منطقه ایندو-پاسیفیک ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک است. دلایل ژئواکونومیک امنیت ترانزیت انرژی در این منطقه و دلایل ژئوپلیتیک بازدارندگی در مقابل قدرت‌های در حال ظهور همچون چین و هند است. سیاست خارجی آمریکا در قبال این منطقه در حال حاضر بازدارندگی در مقابله با ظهور

¹ String of Pearls

چین از طریق اتحاد با هند برای توازن و ضد توازن علیه تحدید چینی است. دلایل ارتباط با آمریکا را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

(۱) افزایش شبه‌نظامی‌گری دینی در پاکستان

(۲) حضور جمعیت مقیم هندی در آمریکا و درآمد سالیانه برای دو کشور

(۳) بازدارندگی علیه چین در آسیای میانه و ایندو-پاسیفیک

بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷، صادرات نظامی آمریکا به هند از ۳۰۰ میلیون به ۱۵ میلیارد دلار رسید. طبق تفاهم‌نامه‌ی دفاعی، آمریکا می‌تواند در مواردی از پایگاه‌های هندی در جزایر سیشل و جزایر موریس و در عوض هند می‌تواند پایگاه آمریکا در جزیره دیگو گارسیا بهره‌برند (Khokar, 2018). در یک سفر به هند در سال ۲۰۲۰، رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ با دولت تفاهم‌نامه دیگر نظامی امضا کرد و بعلاوه شرکت وستینگهاوس قرار شد شش نیروگاه هسته‌ای برای تأمین برق هند راه‌اندازی کند. در مقابل دولت هند موظف شد در حوزه تجارت الکترونیک و داده‌پردازی همکاری کند. از زمان خروج از برجام یکی از دلایل اعطای معافیت به هند در مورد چابهار جلوگیری از ظهور مجدد طالبان در افغانستان است. روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب ایران یکی از پرتنش‌ترین روابط جهانی به شمار می‌رود. به گفته‌ای روابط ایران و آمریکا به‌نوعی برخورد ایدئولوژیک به شمار می‌رود (Khan, 2012). از سال ۲۰۱۸ علاوه بر تحریم‌های مرتبط با صنعت هسته‌ای، بخش مالی و فولاد ایران هم به لیست تحریم‌های آمریکا پیوسته شده‌اند. هدف از تحریم‌های کمپین فشار حداکثری ترامپ علیه ایران است.

اسرائیل

پیش از سقوط شوروی، هند اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناخت اما در دهه‌ی ۱۹۹۰ و با تغییر سیاست خارجی و محیط امنیت بین‌المللی، هند و اسرائیل روابط نزدیک‌تری را ایجاد کردند. یکی از دلایل عمده روابط اسرائیل و هند، مبارزه با گروه‌های تندرو اسلامی است. علاوه بر آن روابط تجاری هم یکی از هسته‌های اصلی روابط دوجانبه این دو دولت است.

در یک مورد تجارت میان هند و اسرائیل در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ از ۳۰۰ میلیون دلار به ۳,۳ میلیارد دلار رسید. در جنگ کارگیل، ارتش هند به پهپاد های اسرائیلی برای هدف قرار دادن مواضع پاکستان استفاده کرد (Cheema, 2009). روابط و همکاری هند و اسرائیل در حوزه‌های دیگر را می‌شود در بخش کشاورزی و حوزه‌ی استارت آپ و حوزه‌ی پزشکی برای مبارزه با همه‌گیری بیماری کرونا مشاهده کرد (Hindustan Times, 2020; Al Jazeera, 2017).

روسیه و قفقاز

روابط روسیه و هند برای ایران و هند از جهت امضای تفاهم‌نامه بین سه کشور برای پیشبرد کریدور شمال-جنوب و تفاهم‌نامه شراکت راهبردی بین هند و روسیه در سال ۲۰۰۰ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایران و چابهار در کل برای هند دسترسی به کشورهای همچون ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و کشورهای قفقاز مثل ارمنستان، گرجستان و آذربایجان را آسان می‌سازد. ایران به هند دسترسی به دریای خزر از طریق بندر در حال توسعه و گسترش انزلی و آستارا به روسیه برای ترانزیت کالا را ممکن می‌سازد. در سال ۲۰۲۰، هنوز حلقه‌ی اتصال‌ی راه آهن بین رشت-انزلی-آستار تکمیل اما قرار است در ۲ الی ۳ سال دیگر به بهره‌برداری برسد. ایران به هند دسترسی به ترکیه و اروپا را هم ممکن می‌سازد.

نتیجه گیری

بندر چابهار با وسعتی بالغ بر ۱۱ کیلومتر مربع در ارتفاع ۷ متر از سطح دریا قرار گرفته است. توسعه بندر چابهار امکان ایجاد روابط بهتر سیاسی و تجارت اقتصادی، داشتن ارتباطات مردمی را محیا می‌کند چراکه بندر چابهار با قرار گرفتن در مسیر کریدور شمال-جنوب و حد واسط برای برقراری ارتباط بین کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از یکسو و کشورهای آسیای جنوب، جنوب شرق، خاور دور و اقیانوسیه موقعیت بسیار مناسبی برای سرمایه گذاری دارد. چابهار به عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران در جنوب شرق کشور و در سواحل دریای عمان می‌تواند موجب تحولات بزرگی در روابط کشورها شود در این میان هند در طی چند سال گذشته به دنبال اهمیت این بندر علاقه مند به سرمایه گذاری در این بندر بوده است. چابهار به هند کمک می‌کند تا از تنگنای ژئوپلیتیکی چین و پاکستان خارج شود و به کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان و حتی فراتر از آن دست یابد. چابهار در رقابت ژئوپلیتیکی هند و پاکستان می‌تواند باعث کاهش وابستگی افغانستان به پاکستان و دسترسی افغانستان به دریا شود. زمانی که موافقت نامه چابهار بین هند و ایران در سال ۲۰۰۳ در دوره نخست وزیری واجپایی به امضا رسید، روابط هند و ایران به سطح شکل گیری روابط استراتژیک نزدیک شده بود اما یک سال بعد از موافقت نامه چابهار با روی کار آمدن سینگ در سال ۲۰۰۴، هند گسترش روابط با آمریکا را یکی از اولویت های سیاست خارجی خود قرار داد؛ بنابراین روابط هند و ایران به شدت تحت تأثیر اقدامات آمریکا قرار گرفت. با این حال با اعمال تحریم های ۲۰۱۸ آمریکا علی ایران واشنگتن با در نظر گرفتن سرمایه گذاری هند در چابهار آن را از تحریم ها معاف کرد. با این حال تنش در روابط ایران و آمریکا موجب شده است که آمریکا همواره سیاست مهار ایران را دنبال کند و از شکل گیری روابط استراتژیک ایران و هند جلوگیری کند. با مداخله آمریکا اجرای پروژه خطوط انتقال گاز ایران به هند دچار مشکل شد. از سوی دیگر چین در حال حاضر سرمایه گذاری وسیعی را برای توسعه بندر گوادر (رقیب چابهار)

پاکستان انجام داده است اما تهران همواره بندر چابهار را رقیب استراتژیک گوادر ندانسته و حتی ایده دو بندر خواهر را ارائه کرده است در همگرایی آسیای برای هم گروهی قدرت‌هایی همچون هند، چین، پاکستان و روسیه باشد و می‌تواند امکان ایران برای ایفای نقش میانجیگری در امور منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی را از طریق دیپلماسی را فراهم بسازد. در نهایت باید گفت علی‌رغم دیدگاه‌های مختلف کشورهای فرصت محور یا تهدیدنگر به توسعه بندر چابهار آنچه با تکمیل پروژه کریدور جنوبی - شمالی از مبدأ چابهار رخ خواهد داد نه تنها ر تأمین درآمدهای ارزی پایدار و جذب سرمایه‌گذاری برای ایران بلکه ارتقاء جایگاه بین‌المللی این کشور است.

منابع

- احمدی پور، زهرا؛ بدیعی، مرجان (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک انتقادی، نشریه ژئوپلیتیک، بهار ۱۳۸۴، شماره ۱، صص ۱۲۴-۱۱۷
- اخباری، محمد؛ قاضی، حسین؛ غفار لو، اکبر (۱۴۰)، بررسی نقش ترانزیت ریلیدر ارتقای منزلت ژئوپلیتیک مکنیندر چابهار، فصلنامه ژئوپلیتیک سال هجدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱، صص ۷۰-۱۰۰.
- اربابی، قاسم؛ حاجی مینه، رحمت؛ کهرازه، یاسر (۱۴۰۰)، جایگاه بندر چابهار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشریه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۴۷
- باقری، یوسف؛ صالحی، محمدرضا (۱۳۹۶)، رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای ج.ا. ایران از منظر نظریه‌های سازه‌نگاری و ژئوپلیتیک، نشریه سیاست خارجی، بهار ۱۳۹۶، سال ۳۱، شماره ۱، صص ۱۵۶-۱۴۱
- حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ نارویی، هادی (۱۴۰۰)، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و چشم‌انداز همکاری ایران و هند در چابهار، نشریه ژئوپلیتیک، پاییز ۱۴۰۰، شماره ۶۴، صص ۸۷-۶۱
- دستمالچی، اصغر (۱۳۹۳)، روابط ایران و هند از استقلال هند تا پیروزی انقلاب اسلامی، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۹۳
- زیبائی، مهدی و بهرامی مقدم و سیمبر (۱۳۹۴)، سیاست خارجی هند، دانشگاه گیلان، ۱۳۹۴
- صادقی اول، هادی؛ گرشاسبی، رضا؛ نقدی، جعفر (۱۳۹۸)، ژئوپلیتیک انتقادی و تحلیل رویکرد ترکیه در قبال داعش، فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۱، پیاپی ۹۲، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۳-۱
- کاردوست، مهدی (۱۳۹۶-۱)، سیاست خارجی پاکستان، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۹۶

- کاردوست، مهدی (۱۳۹۶-۲)، هند و پاکستان، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۹۶
- Ahmed, M., (2018). Iran-India deal on Chabahar port. *Daily Times*, February 21.
- Al-Rawadesh, S. M. & Al-Qatatsheh, H. M. (2017). China's strategy in the Middle East. *IQSR Journal of Humanities and Social Science*, 2(1) Ver 4, 37-51.
- Bruening, M. (2007). *Foreign Policy Analysis: A Comparative Introduction*, Palgrave MacMillan.
- Cheema, S. A. (2009). Indo-Iranian Relations: The Israeli dimension. *Indian Journal of Politics and International Relations*, 2(2), 344-360.
- Cooper, A. S. (2012). *The Oil Kings: How the U.S., Iran, and Saudi Arabia Changed the Balance of Power in the Middle East*, Simon & Schuster.
- Curzon, G. (1898) *Persia and the Persian Question*, Longmans, Green and Company.
- Das, K. C. H. The making of One Belt, One Road and dilemmas in South Asia. *China Report*, 53(2), 125-142.
- Fair, C.C. (2007). Indo-Iranian ties: Thicker than oil. *Middle East Review of International Affairs*, 11(1), 41-58.
- Hindustan Times (2020). Original text in English.
<https://www.hindustantimes.com/india-news/pm-modi-israel-s-benjamin-netanyahu-discuss-expanding-cooperation-in-health-defence-and-it/story-13cfRrTKk4usMrDambOUP.html>.
- Khan, Z. (2012). Iran's foreign policy towards the United States: Retrospective perspective—1988-1993, *Journal of Contemporary Studies*, 1(2)
- Khokar, R. (2018). The US-India strategic partnership: Pakistan's foreign policy response. *CISS Insight*, VI(1), 1-26.
- MEA (India) (2019). Original text in English.
https://mea.gov.in/Portal/Foreign_Relation/India-Iran_Bilateral_Brief_2019.pdf.
- Mehr News (2020). Original text in English.
<https://en.mehrnews.com/news/161480/US-cannot-tell-India-what-to-do-in-Chabahar-port-Indian-ambs>.

- Morini, D. (2010). A diplomatic surge in Afghanistan, 2011-2014. *Strategic Studies Quarterly*, 4(4), 68-100.
- O' Tuathail, G. (1995) *Critical Geopolitics*, Routledge.
- Rahman, S. (2010). Indian presence in Afghanistan: Dynamics of regional security. *ISSRA Papers*, 39-50.
- Sayareh, M. & Fooladi Mehtarkhaleh, M. (2016). Chabahar Port vs Gwadar Port: A logistics performance comparison, *IAME 2016 Conference*, August 23-26, Hamburg, Germany, Paper ID 112, 1-16.
- Shafaqat, S. (2018) China's Rise: How is it impacting the Gulf, Iran, Pakistan and Beyond. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 11(1), 15-34.
- Singh, S. (2017). India's Chabahar policy: Implications for China-Pakistan cooperation. *International Journal of Applied Social Science*, 4(May/June), 172-182.
- Singh, S., & Singh, B. (2019). Geopolitics of ports: Factoring Iran in India's counterbalancing strategy for 'Sino-Pak Axis', *Journal of Eurasian Studies*, 10(2), 169-182.
- Soltaninejad, M. (2017). Iran-India: The unfulfilled strategic partnership, *Indian Quarterly*, Vol. 73, No. 1.
- Tehran Times (2020). Original text in English. <https://www.tehrantimes.com/news/445107/Iran-India-negotiating-more-on-PTA>.
- Vatanka, A., (2015). *Iran and Pakistan: Security, Diplomacy and American Influence*, I.B.Tauris.
- Wadood, A. Ulah Khan, H. & Ullah, U. (2016). Geo-politics of China in 21st century, case study of China-Pakistan Economic Corridor (CPEC), *BUIITEMS*, 2(1), 68-79.